

نوشتار ماه

هنر بی غیرت زیستن!

براستی که هنر نزد ایرانیان است و بس. سد البته این هنر، هنرهای شناخته شده جهانی که همه از آنها آگاه هستند، نیست. هنر ایرانی، هنر بی غیرت زندگی کردن است. هنر بی تفاوت بودن و هنر بی میهنی و نداشتن عرق وطن است. هنر ایرانی هنر تخمه شکستن و به تماشای رقص مرگ هم میهن خود بر بالای چوبه دار رفتن است. بیشرم هائی که ساعت ها پیش از شروع اعدام در محل جمع می شوند و انگار به گاردن پارتنی رفته اند. هنر ایرانیان، رواج بی غیرتی در تماشا به اذیت و آزار و خونین و مالین شدن خواهران و مادران خود توسط مزدوران جنایتکار رژیم در خیابان ها و میدان های شهرهای مختلف ایران است. مزدوران، دختران جوان را بجرم بد حجابی میزنند و مردان بی غیرت ایرانی تنها گوسفندوار نگاه می کنند. نه شرفی مانده، نه عزتی و نه غیرتی. هنگامی که یک کشور و مردم آن بدام بیگانگان می افتند و بی منش و بی تبار، ره گم کرده و سرگردان می شوند. سرانجامی بهتر از حال ایرانیان امروز ندارند. مردم ما بویغ سرسپردگی و بردگی به سر و گردن خود آویخته اند. مردم ما نوکری و بندگی را پذیرفته اند. ملایان جنایتکار همراه با مزدوران خود ایرانی را بی منش و بی شناسه و بی ریشه و بن کرده اند، و مردم ما چون کرم در لجن زار اندیشه های آلوده تازی و اسلام غوته ورنند. اعدام را حکم الهی میدانند، قطع دست و پا و سنگسار را نیز هم چنین. ایران و ایرانی چین و چروک های بسیاری برپیشانی و آژنگهای دردآور و آزار بخشی از اسلام اهریمنی به چهره خود دارد، ولی در فکر پاک کردن آن نیست. ایرانی پیکار بلد نیست، روح مبارزه ندارد همواره در طول تاریخ شکست را با خواری تمام پذیرفته و در مقابل حتی یک یورش از خود دفاغ نکرده است. چون اگر کرده بود، کشور ما هفت بار و اگر یورش ملایان را حساب کنید، ۸ بار به اشغال کامل بیگانگان در نیامده بود. درد بزرگ ما این است که حتی زمانی که نیروی اشغالگر از میهنمان خارج میشود، پاسدار میراث های شوم آنها و دایه مهربانتر از مادر می شویم. ایرانی به راحتی به بیگانگان اجازه میدهد که فرهنگ و تاریخش را به تاراج ببرند و بنام دین و مذهب خرد او را ربوده و او را در نادانی مطلق نگهدارند تا بتوانند بیشتر او را بچاپند.

هم میهن شناسه و هویت تو را دزدیده اند که به چنین روزی افتاده ای هم میهن گذشته تو را پایمال کرده اند که مثل سیب زمینی بی رگ شده ای.

هم میهن تاریخ کشورت را به لجن اسلامی آلوده اند، بزرگان را لکه دار ساخته اند تا تو مثل بره شوی. مردم بی غیرت و ساده اندیش ما، پس از گرفتن وعده های پوچ وژن بزرگ روح الله خمینی راجع به آب و برق و گاز و... مجانی، ده ها بار پای صندوق های رای رفتند و دیدید چطور میمون مشنگ احمدی نژاد با وعده پول نفت بر سر سفره ای آنان،

به مقام رئیس جمهوری رسید و مطمئن باشید این بار نیز این بی غیرتان در انتخابات مجلس دوره ی هشتم شرکت می کنند تا مشتی ابله چاپلوس و خایه مال را بعنوان نماینده مجلس به سرآخور مرکزی رژیم بفرستند که نمونه ای آنرا در شکل بازی بیشرمانه ی بازگشت میمون از سفر مکه به مجلس دیدید. به محض ورود میمون به مجلس، نمایندگان به طرف او هجوم برده، دستهایشان را به کت و شلوار او می کشیدند و روی صورت خود میمالیدند و یکی از نمایندگان نیمه آب لیوان او را نوشید و سپس بعنوان تبرک آن آب را روی لباسش تفت کرد، یک حیوان دیگر نیز دستهای میمون را گرفت و روی صورت و گردن خود کشید. صحنه های بیشرمانه ی مجلس حد ظرفیت، چاپلوسی، ابله ی، خایه مالی، اخلاق، شایستگی، صلاحیت، دم تکان دادن، پست و بی مقدار بودن یک مشت عقب مانده ذهنی را بعنوان نمایندگان پارلمان رژیم که تمامی را در یک اصطبل بعنوان مجلس جمع کرده اند، نشان داد.

هم میهن درد بی غیرتی را تنها تو که در داخل کشوری بدوش نمی کشی. برون مرزان تو که سرنیزه ملایان بالای سرشان نیست از تو بی غیرت ترند. برون مرزان چنان در خواب گران فرو رفته اند که به هیچ روی آگاه نیستند که در ایران چه می گذرد. برون مرزان بی تفاوت و بی غیرت تنها در فکر تجمع سالیانه ی لاس وگاس و رفتن به کنسرت های بزرگ و کوچک و شب زنده داری فراوان خود هستند. بسیاری از آنها دل شادیشان، رویهم انباشتن و تلنبار کردن پول و جنب و جوش روزانه برای بدست آوردن درآمدی بیشتر و افزونتر است. برون مرزان خصوصاً در لوس آنجلس نه تنها فرهنگ و تاریخ و ادب ایران را نمی شناسند بلکه تلاش در نابودی ته مانده آن دارند.

در جامعه برون مرزی ما که فرهنگ خون ندارد و در آن فرهنگ به معنای پوسته ای بی بنیاد، برای تامین منافع مالی موجود است. همه بفکر پول اندوختن بیشتری هستند. زمانی که درد نان خوری یا بهتر بگویم بوقلمون خوری و اسباب کشی به سر تپه، هنر و تعهد را زیر پرتوی خود می گیرد و قلم و اندیشه و هنر، زائیده روابط اجتماعی و مناسبات طبقاتی می گردد. مرگ هرگونه خلاقیت و آگاه سازی را باید اعلام نمود. نمونه بارز بی خبر نگهداشتن مردم از آنچه در داخل ایران می گذرد بگردن چند رسانه است. شوربختانه مطبوعات خارج از کشور، بجز تعداد انگشت شماری از آنها، در این ۲۹ سال غربت نشینی چه آگاهی لازمی را به مردم داده اند؟ کدامشان، دشمن واقعی ایران و ایرانی را که همانا مذهب اهریمنی اسلام است به توده ها شناسانده اند. رادیوی موج متوسط لس آنجلس، اینک بعنوان پایگاه ادیان گوناگون درآمده و هرکسی که پول بدهد می تواند در راه فریب مردم سخن بگوید. مدیران این رسانه با بیان اینکه رادیوی ما تجارتمی است بزرگترین خیانت را در حق مردم و فرهنگ ایران روا داشته و میدارند.

آنها با دل رضایتی از نظام عرضه ی نخود و لوبیا و سنت ها، تصورشان این است که دوام و بقای جاوید را از آن خود کرده اند. بنام تجارت و آزادی و دموکراسی!! و در اصل بخاطر جلب رضایت مدیر آمریکائی رادیو، حجم برنامه های رادیویی را با سلب مسؤلیت به سوداگران مال

سپرده و برایشان مهم نیست که این سوداگر از جانب فسادکده مذهبی خیابان موتور باشد و یا تیره بختانی که فکر کرده‌اند اگر پشت به اسلام کنند و رو به مسیح بیاورند خوشبخت می‌شوند و یا یهودیان ایرانی که آنچه دارند از برکت کشور ایران و زمان شاه است ولی اینجا سنگ اسرائیل را به‌سینه میزنند. درد بزرگ این است که در آغاز سال نو و نوروز فرخنده یک حزب الهی معلوم الحال دندانپزشک باید عید را شادباش بگوید. مهره‌ی تازی پرست که از هویت و ملیت خود چشم پوشیده و کمر به خدمت تازیان بسته است.

در برون مرز، ما در جامه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن فرهنگ معنای گسترده ندارد. از سوئی به علت آسان طلبی مردم به هنر و ادبیات و نشان ندادن علاقه به آگاه شدن، رابطه نویسندگان متعهد با جامعه قطع شده است. شما در اینجا کسی را نمی‌یابید که برای یک نشریه انتظار بکشد. در کتابفروشی‌های برون مرز، هر روز از تعداد قفسه‌های کتاب کاسته شده و بجای آنها بر تعداد قفسه‌های CD های صوتی که هیچ‌گونه نشانی از موسیقی ندارند افزوده می‌شود. فیلم‌های وارداتی ساخت جمهوری اسلامی نیز با کیفیتی بسیار پائین نقش صدور انقلاب اسلامی را به خارج بازی می‌کنند که در این فیلم‌ها توصیه می‌شود. مردان ۷۰ سال یا بالاتر می‌توانند با دختران ۱۶ - ۱۵ ساله ازدواج کنند. چندزنی تشویق می‌شود و یا اگر یک خارجی خواست با یک دختر ایرانی ازدواج کند، شرط اول رضایت خانواده‌ی عروس این است که او باید ختنه شود!! در فیلم‌های ساخته شده در جمهوری اسلامی نقش و مرتبه زنان به زیر صفر رسیده است. کتابفروشی‌های امروز خارج از میهن بجای کتاب و نشریات پیشرو، قلیان و تخته نرد و دبل‌نا می‌فروشند و بیشتر درآمد آنها از فروش بلیط کنسرت و یا تاترهای لاله زاری اینجاست. هنر تاتر در خارج از کشور یعنی ننه سلیمه و خانواده‌ی ۹۹ سنتی و شوهر اینترنتی. نقش نابودگر فرهنگ ایران همراه با بی‌خبر نگهداشتن مردم از آنچه در داخل میهن می‌گذرد توسط رادیو موج متوسط لس آنجلس و یا تلویزیونهای نظیر ایران و تپش برکسی پوشیده نیست. به نمونه‌ای از آن توجه کنید.

دوتن از مزدوران رژیم به این رادیو تلفن میزنند که چرا در اخبار شما، تنها خبرهای بد اعلان می‌شود. و مجری برنامه صبحگاهی رادیو که به برکت کامپیوتر همراهش از تعداد سگ و گربه‌های آقای بوش بااطلاع است و اطلاعات او راجع به تاریخ تولد آقای کارتر و ریگان بیشتر از دانستن راجع به بابک خرم‌دین و یعقوب لیث و بزرگان ایران است چون اگر غیر از این بود حتماً می‌شنیدیم، این دو مزدور را به کادر اداری و بخش خبر حواله می‌دهد و نمی‌گوید: آقا، ما چه خبر خوب و خوشی از ایران باید بدسیم. خبر از رفاه مردمان ما در این ۳۰ سال زمامداری ملایان، خبر خوش از آزادی فردی و اجتماعی و بیان و اندیشه و مذهب. خبر خوش از نداشتن زندانی سیاسی و نداشتن شکنجه و اعدام و سنگسار و قطع اندامهای مختلف بدن، خبر خوش از نداشتن مواردی از دزدی و رشوه. خبر از نبود فحشاء و فقر و گرانی و گرسنگی، از نبود تاراج و یغماگری منابع ملی توسط ملایان و

دول چپاولگر، خبر خوش از اینکه مسئولین مملکت تنها در فکر رفع کمبود و مشکلات مردم و تامین سوخت آنان در این زمستان سرد هستند بطوریکه روزانه در شهرهای مختلف ایران مردم از سرما جان خود را از دست نمی‌دهند. خبر خوش از آزادی انتخابات که سیدعلی خامنه‌ای حضور هیت ناظر بر انتخابات را بیشرمی میخواند، در حالیکه شورای نگهبان ۳ هزار کاندیدای اصلاح طلب!! را رد صلاحیت می‌کند. خبر خوش از شورای نگهبان که حافظ و نگهدارنده حق و حقوق مردم هستند و به هیچ وجه خود را قیم مردم نمیدانند. خبر خوش از مزدوران رژیم که نام نیروهای انتظامی را بر خود نهاده‌اند و حافظ جان و مال و ناموس هم میهن‌های خود هستند. و روزی نیست که با اعمال انسانی!!! خود خبرساز نباشند. خبر خوش از آزادی مطبوعات و اینکه در جمهوری اسلامی تاکنون نشریه‌ای توقیف نشده! خبر خوش از فاصله طبقاتی که اصلاً وجود ندارد. خبر خوش از کمک‌های میلیارد میلیارد دلاری به گروه‌های مردمی حماس و جهاد اسلامی و حزب‌الله که تمامی آنها کاندید جایزه صلح نوبل هستند!!

خبر خوش از فساد و بیکاری و اعتیاد که اصلاً در کشور ما وجود ندارد، درست مثل خبری که از جانب رئیس جمهور مشنگمان احمدی نژاد راجع به نداشتن گی شنیدیم و خبر خوش راجع به اینکه مردم را بالای بلندی میبرند و بدون چتر نجات آنها را به پائین پرتاب می‌کنند! خبر خوش از اینکه به بهائیان و دیگر اقلیت‌های مذهبی اجازه داده شده که اماکن مذهبی خود را در ایران بسازند و به دانشگاه رفته و متصدی مقام‌های مهم کشوری شوند! و..... می‌بینند که چطور تمامی در خاموشی فرو رفته‌اند. در بیرون از میهن هستند کسانی که شبانه روز بدون خستگی در پژوهش و نوشتن واقعیات هستند، درد را شناخته‌اند، درمان آن را نیز بیان میدارند ولی کوگوش شنوا. انگار زندگی در سایه راحت تر است. بسیاری به خیریت و خراب بودن خود می‌نازند. کتابفروشی‌ها تهی است از کتاب خر و کتاب خوان، پس از ۳۰ سال یک کتابخانه بنام خود نداریم. بخاطر هزینه‌های بالای چاپ در اینجا، باید کتابهایی را که از ایران آمده و تیغ سانسور جمهوری اسلامی به آن خورده را بخوانیم. تعداد ۲/۵ میلیون ایرانی تنها در امریکا زندگی می‌کنند و نا سلامتی بیشتر آنها دانش آموختگان و نخبگان میهن مان هستند. از این تعداد حداقل باید یک میلیون نفرشان کتاب بخوانند. اما جای تأسف و شوربختی است که وقتی یک کتاب چاپ می‌شود هزارتای آن هم بفروش نمیرسد. پیام آزادگان ۲۰۰۰ مشترک دارد وقتی از آنها درخواست پرداخت حق اشتراک می‌شود. به زحمت ۲ یا ۳ نفر حق اشتراک خود را میدهند و بقول عزیزی در هیئت تحریریه پیام آزادگان، ملت ما به مفت خوانی عادت دارد. سیاست رسانه‌های شناخته شده‌ی لوس آنجلس که در سطح پا گرفته و بصورت نیرویی درآمد است روی هرگونه آگاه سازی چون سد عمل می‌کند و تلاش بر آن دارد که هرگونه پیوند عاطفی را با خانه و میهن قطع کند. آنها خوش نشینی را تشویق می‌کنند، سعی شان در گرفتن عرق میهن است. رابطه‌ی ایرانیان را با دیروز سرزمینشان قطع می‌کنند و مردم را از

هویت و ملیت و خاک و شرایط تاریخی و خون و رگی که چه بسا، احساسش در بعضی ها مانده باشد، بدور می‌کنند. دلالت حرفه‌ای برون مرز با بی خبر گذاشتن مردم از حقایق تا آنجا که ممکن است به نفع ملایان حاکم در رژیم تهران عمل می‌کنند. در کوران جامعه‌ی برون مرز، در زمانی که فرهنگ تنها در واژه‌ی فرهنگ رُشد می‌کند و هرکسی به فکر راندن خر خویش است و تمامی در فکر اندوختن مال و تجمل و رفاه و فربه‌ی هستند، با تشویق سوداگران اندیشه بفرار انداختن سفره‌ی حضرت فاطمه و رقیه و عباس و هجوتامه قرآن را به سرگرفتن هستند. در جامعه‌ی برون مرزی فریب را حاکم کرده‌اند تا هدف گم شود. سوداگران حرفه‌ای تنها در راه زنده نگهداشتن فرهنگ مومیائی -

مذهبی، خصوصاً ادیان سامی هستند، فرهنگی که بی حرکت ایستاده، تماش رنگ خرافه دارد و عامل اصلی خواب کردن توده هاست. سخن را با پرسیدن پرسشی به پایان می‌بریم: به راستی اگر یکروز، آخوندها سرنگون شوند که خواهند شد و میهن ما آزاد گردید، شما برون مرزان خواب آلود که ایران را از یاد برده‌اید، شما زنان و دختران ایرانی خارج از میهن که تنها هنرتان در انداختن سفره حضرت فاطمه و رقیه و رفتن دیسکو است، چه خواهید کرد؟ زیرا بیگمان پرسش درون مرزان در آتش از برون مرزان چنین خواهد بود: با آنهمه آزادی که شما داشتید در برون چه کردید که درون خانه بیاید؟ حساب رسانه داران شناخته شده هم که روشن است.

خوب است بدانید!

برداشت از کتاب جدید استاد شجاع الدین شفا

حقوق بشر، قانون بیضه و بمب اتمی

به عهده دارد.

اعضای این شورا ضمن ملاقات با آیت‌الله منتظری در زمینه کارهای وسیع تحقیقاتی خود روی احادیث و روایات گزارشی به وی دادند و او هم دستورهای اکیدی در باره ضرورت تدوین یک معجم عینی و مختصر از روایات و احادیث صادر کرد!!

نمونه‌هایی چند از گنجینه علمی که از قم برخاسته است. دانشگاه صنعتی برای رشته علوم فنی و مهندسی خود در امتحان ورودی سؤالاتی که حوزه علمیه قم تنظیم کرده از داوطلبان ورود به این دانشگاه می‌پرسد. چند سؤال اعلام شده بقرار زیر است: شیطان نر است یا ماده؟ خوراک‌های بهشتی تفاله دارند یا خیر؟ روح در داخل بدن قرار دارد یا خارج از آن؟ عزرائیل خوش قیافه است یا بد قیافه؟ (آگهی روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴ دیماه ۱۳۶۳) درکنکور سراسری سؤال شده است: در باره احکام توضیح المسائل حضرت امام خمینی: کافر، سگ، بول، مدفوع، خون، فحاشی کدامیک از اینها نجس تر هستند و به چه دلیل؟ و به علت احتیاج به تعدادی طبیب جدید، مدرسه فیضیه قم یک دوره ششماهه تعلیم طب تاسیس کرده. فارغ‌التحصیلان این دوره برای طبابت به نقاط مختلف مملکت اعزام خواهند شد (خبر روزنامه اطلاعات ۲۵ مهر ماه ۱۳۶۱)

دانشگاه امام جعفر صادق برای رشته ریاضیات و فیزیک و شیمی دانشجویی پذیرد. مواد امتحان ورودی: اصول و اعتقادات اسلامی، تاریخ انقلاب اسلامی ایران، زبان عربی و معلومات عمومی!!! روزنامه اطلاعات ۵ اسفند ۱۳۶۳.

تاکنون بیش از یک صد هزار نفر از معلمان در رژیم اسلامی، اخراج شده‌اند و گروه کثیری از بقیه به کارهای روزمزد گماشته شده‌اند. ۶۰۰ تن از معلمان اعدام شده‌اند و ۲۰۰۰ نفر از آنان در زندان بسر می‌برند. تاکنون ده هزار معلم دبیرستان و دانشگاه به کشورهای بیگانه گریخته‌اند. بیش از ده هزار دانشجو و دانش آموز اعدام شده‌اند و هم اکنون حدود ده هزار دانشجو و دانش آموز در زندانهای رژیم بسر می‌برند. تمامی مغزهای کشور در حال فرارند و از زمان انقلاب به تنهایی هفده هزار پزشک و مهندس از ایران به کانادا گریخته‌اند.

از سال ۱۹۷۹ تاکنون تعداد افراد تحصیلکرده و کارشناس که از ایران گریخته‌اند از مرز یک و نیم میلیون نفر گذشته است. در زمان شاه، ما سالی ۸۰۰ فارغ‌التحصیل پزشکی داشتیم، امروز تعداد فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی به زحمت به ۲۵۰ نفر میرسد. تنها در سال ۱۳۶۰، ۴ هزار استاد دانشگاه یا اخراج شدند و یا از ایران گریختند.

نظام آموزشی جمهوری اسلامی در خط مکتب قدم بر میدارد که هدفش خلیفه‌الله پروردن است. این جمهوری که در آن به فتوای رهبر کبیر انقلاب روح‌الله خمینی «باید علم از قم به جهان صادر شود» برنامه‌های سازنده‌ای!! نیز دارد که یکی از مهمترین آنها چنین است: بعد از تشکیل کمیته مسئول فهرست کردن و فیش نویسی مجلدات ۱۲۸ گانه افاضات ملا محمد باقر مجلسی با عنوان کمیته تدوین فهرست بحارالانوار، اخیراً شورای تازه‌ای تحت سرپرستی آیت‌الله منتظری در قم تشکیل شده که نامش «شورای معجم الفاظ احادیث شیعه» است و آیت‌الله آذری قمی رئیس جامعه مدرسان حوزه علمیه قم مسئولیت آنرا